

**اوجگیری جنبش توده‌ها
 و وحشت ارتجاع**

در حال حاضر ما مبارزه طبقاتی بیش از پیش اوج
 نیکبرد. بحران سیاسی - اقتصادی که در پی یک
 مقطع ارتکاب مل خود منجر به سقوط رژیم سلطنتی
 ما رخا شن کردید، پس از مبادا و مبادا فتنه و اینک
 ایضا دبستانهای بی خود گرفته است، سیستم
 کندی به سرمایه داری وابسته است که ما هرگز
 ارتجاعی هیا با کما نعتوا نست فقر و فلاکت
 روزا فرون توده‌ها را دامن نزنند و این امر
 بنسب خود نمیتوانست برنا رفا بشی ها و اعتراضات
 توده‌ها نبیا مزاید، اما در مقابل رشدنا رفا بنسبها
 رژیم‌ها کم چه با سخی میتوانست بدهد؟ رژیم
 ها کم بنسبها به ما هیت طبقه‌ای خود و با توجه بنسب
 مبرومات نظامی کمزور هدیگری نداشت جز تشدید
 ستگری و سرکوب، ولی آبا سرکوب میتوانست
 چاره‌ای در برابر زندگی نکبت بار توده‌ها قرار
 دهد؟ هرگز! برعکس تشدید استعمار و سرکوب
 توهم توده‌های هر چه وسیعتری را فروریخته و
 آنها را به میدان مبارزه طبقاتی سوق میدادند
 توده‌ها در زندگی خود رژیم را تجربه میکردند و
 تجربه‌شان گام به گام میدادند عیب رانان بود
 میساخت، توده‌ها از خود می پرسیدند: "آیا
 رژیم جدید ما را خوشبخت خواهد کرد؟" اما ادا
 محرومیت‌ها و افزایش ستگری رژیم پاسخ منفی
 به این سؤال میداد. توده‌ها در ابتدا با نابوری
 و سپس با فتنه طبیعت بیشتر درمی یافتند که رژیم
 جمهوری اسلامی نمیتواند و نمیخواهد در راه منافع
 زحمتکشان حرکت نماید، آری تجربه خود
 توده‌ها و فعالیت آگاهان گرانته نیروهای انقلابی
 و کمونیست توده‌های هر چه بیشتر را به عرصه
 مبارزه طبقاتی میکشاند، در گذشته مبارزه
 مسلحانه در کردستان، مبارزه مسلحانه در ترکمن
 - صحرا، مبارزه انقلابی در دانشگاه مبارزه
 شورشی و اعتمادی در کارخانه و... نمونه‌های
 مشخصی از توده‌ها و مورشد مبارزه علیه رژیم جمهوری
 اسلامی بود، و امروز نیز این مبارزه‌ها ادامه
 دارد، بخصوص آنکه فلاکت ناشی از جنگ ارتجاعی
 ایران و عراق توده‌ها را به محرومیت بیشتری
 کشیده و این امر نه تنها به گسترش مبارزه آوارگان
 جنگ منجر میگردد، بلکه بویژه مبارزه طبقه‌ای
 را در سراسر ایران ایضا تجدیدی خواهد بخشید.
 در حال حاضر ما در اعلا بمر میبرد.

**پیام کمیته مرکزی سازمان
 پیکار در راه آزادی طبقه کارگر**

به

سازمان مجاهدین خلق ایران

و پاسخ به

یاوه‌گویی‌های رویزیونیستهای فدایی

(اکثریت)

مقدمه:

انحراف رویزیونیستهای سازمان
 پیکارهای فدائی (اکثریت) خطاب به
 سازمان مجاهدین نامهای سوسه و مذبذب
 خانه کوشیده اند با مطامع گری ارتجاع حاکم
 و با اصطلاح مدلیبرال سان دادن خود، به
 توطئه علیه جنبش دست زده و سازمان
 مجاهدین را بطف بورژوازی و جبهه
 ارتجاع یکپا کنند، این امر را سران دانش
 نابنوبه، خود علیه این توطئه، خدا مغلای
 بر خیزیم و پیکار دیگر چهره، گریه و سوسه
 نیستنهای فدائی (اکثریت) را افشا کنیم.
 پیام ما سازمان مجاهدین خلق در
 عیبی حال که دای امای ماهت ضد
 انقلابی فدائیان اکثریت میساختند، دیر
 گریه، هند را با سازمان مجاهدین سر
 هست، ما پیشینیت از ساست کمونیستی خود
 در مقابل نیروهای صدامیریالیست، در
 همان زمان که سازمان مجاهدین را در
 کار خود در حبه، خلق و انقلاب مبداسم
 و از این سرود را بر حملات خدا انقلابی
 ارتجاع و رویزیونیستهای بنسب می -
 شامم، اما در عیبی حال ساستهای
 انحرافی مجاهدین را در عرصه‌های مختلف و
 سوسه در بر خورده بورژوازی لیبرال
 مورد انتقاد قرار میدهم، ما در اس پیام

سان مدهیم که اصطلاح مبارزه، ضد
 لیبرالی رویزیونیستهای فدائی جبری حر
 شیادی و عوام فریبی نبوده و آبان از اوج -
 گیری حسن سوخت افنا ده و بنسب جا طر
 به توطئه علیه جنبش اقدام نموده اند، اما
 در عین حال سان مدهیم که این مرز -
 بندی اصولی علیه رویزیونیستها، به
 معنای بی انحراف مجاهدین در مقابل
 لیبرالیستها نیست، مجاهدین منکوشند
 این مسئله، اساسی را منکوت گذارند،
 اما ما هرگز انحراف مجاهدین را ملحوظ
 مصالح حسن طلق منکوت نخواهیم گذاشت
 ما از سازمان مجاهدین خلق نمائند، یک
 سازمان صدامیریالیست مجاهدین تانه
 این مسئله پاسخ گفته و مرز بندیهای خود
 را نسبت به لیبرالیستهای حاشی اعلام دارد.
 منافع حسن دمکراتیک و صدامیریالیستی
 خلقهای کمبرایان منظمند نا مجاهدین
 خلق مبارزه علیه لیبرالیستهای ضد
 انقلابی نمائند، حزبی از مبارزه علیه کل
 رژیم حاکم دست زده و در گسترده نرسدن
 این جنبش بگوشند، عدم پاسخگویی عملی
 به جنبش ضرورتی جز صرنه منافع خلقهای
 ایران و انقلاب توده‌ها چیز دیگری
 نخواهد بود.
 کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی
 طبقه کارگر
 ۱۳۵۹/۱۰/۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

مبارزه طبقاتی توده ها را در راه کسب آزادی و استقلال واقعی به جلو میبرد و در هر گام مفسود دورنمای جنگ داخلی را شفافتر میسازد. جنگی که در پیگویی آن توده های زحمتکش و نیروهای کمونیست و انقلابی و در سوی دیگر رژیم حاکم، کلبه مرتجعین و امپریالیستها قرار دارند. در چنین اوضاعی است که رژیم جمهوری اسلامی هر چه بیشتر به استحصال کشیده شده و جناحهای مختلف هیات حاکمه در برابر هم به صف آرائی پرداخته اند. اگرچه کل جناحهای رژیم در برابر ما زیستیم سرما بهداری وابسته و در مرکب جنبش خلق و نیروهای انقلابی و کمونیست با یکدیگر توافقی دارند. اما آنان در چگونگی بازاری و چگونگی سرکوب اختلاف داشته و منافع خاص هر یک از جناحها، درگیری آنان را بر سر میزان قدرت افزوده است. جنگ قدرت از هر دو سو مهبلی ارتجاعی داشته، چرا که در پی تأمین منافع دو جناح ارتجاعی است. هیچیک از جناحهای قدرت نهضت امپریالیست هستند و نه دیگران. آنها مدافعین سیستم وابسته به امپریالیسم و سرکوبگر جنبش توده ها میباشند. امروز این جنگ قدرت به نقطه حساسی از تکامل خود رسیده است. جناح لیبرالها که از قیام به این سو تا یک دوره اعمال هژمونی می نمودند، گام به گام توسط جناح حزب جمهوری اسلامی و در کنار آن خرده بورژوازی مرفه سنتی به عقب رانده شده و اینک اساسی ترین مواضع را قدرت را از دست داده است. در حال حاضر حزب جمهوری اسلامی با پشتیبانی آیت الله خمینی، عمده مواضع سیاسی قدرت را در کنترل خود داشته و میگوید تا لیبرالها را از آخرین مراکز قدرت (ریاست جمهوری و ارتش) بزیستیم کشیده و تحت سیاحت خود بکشاند. در چنین اوضاعی جناح لیبرالها در مقابل جناح رقیب بشدت ایستادگی کرده و نه تنها میگوید موضع خود در قدرت را تحکیم بخشد، بلکه به علاوه در پی آن است تا با چهره دروغین آزاد بخوابد. توده های متنوع نسبت به خود را به زیر شامه های غشود کشید و بدین ترتیب با سوار شدن بر جنبش توده ها به ممانعت از حزب و خرده بورژوازی مرفه سنتی برود. لیبرالها نمی توانند در میان قیام مدرسان با امپریالیسم، قیام خلق را در نیمه راه متوقف ساختند. لیبرالها نمی توانند که یکپارچه از حمایت از منافع امپریالیستها فروگذار نکردند. لیبرالها نمی توانند که یک لحظه از سرکوب خلق غافل نشوند. حال در پی آن برآمده اند تا توده ها را از "استبداد حزبی" نجات دهند!

اما پرواضح است که تمام جناحهای حکومت علیرغم تمام عوام فریبیهای گوناگونشان دشمنان قسم خورده انقلاب و سرکوبگران طبقه کارگر و زحمتکشان میباشند. دعوی لیبرالها و حزب دعوی دو جناح از بورژوازی و دعوی دو بخش از اردوگاه نهضت انقلاب است. این دعوا نه در جهت دفاع از دستاوردهای قیام و مواضع امپریالیسم، بلکه دعوی دو جناح ارتجاعی بر سر تقسیم قدرت سیاسی است. قدرتی که

با سادار مناسبات ستمگرای است که بر اساس آن سرما بهداری و امپریالیستها به استثمار و غارت خلق مشغول میباشند.

واقعیت این است که در اردوگاه دشمنان تضادها و اختلافات بسیاری وجود دارد ولی این مسئله یک بخش از واقعیت است. بخش دیگر واقعیت اینست که همه جناحهای این اردوگاه دشمن توده ها بوده و از او جگر بی مبارزه توده ها وحشت دارند. اگر توفان مبارزه طبقاتی بلند شود، تمام آنها بهای قدرت کهن و دستگا حکومت

متعلق به جنبه خلق را بطرف سیاست خود متمایل سازند. این سیاست خاشا نه جدا سازی، در عین حال که هدف تضعیف جنبش را تعقیب مینماید، تحکیم جناح لیبرالها در مقابل حزبها را نیز دنبال میکند. در مقابل آنها، حزبها همبشما شما زمام، اسلام و مکتب میگویند تا از اعتقادات و توهمات مذهبی توده ها سوخته و آنها را در کنار خود حفظ کنند و در همان زمان در پی آنند تا در مقابل امپریالیستها و نیروهای تازه نفستری را به صفوف خود بکشانند.

تمام جناحهای حکومت علیرغم تمام عوام فریبیهای گوناگونشان دشمنان قسم خورده انقلاب و سرکوبگران طبقه کارگر و زحمتکشان میباشند. دعوی لیبرالها و حزب، دعوی دو جناح از بورژوازی و دعوی دو بخش از اردوگاه نهضت انقلاب است.

ستمگران را نابود خواهد کرد. به این لحاظ وحشت کل هیات حاکمه از همین است. به اوضاع کنونی نگاه کنیم هر قدر مبارزه طبقاتی گسترش می یابد، رژیم سرمایه تر و وحشت زده تر میگردد.

لیبرالها به تقویت ارتش میپردازند و حزب به تقویت سپاه بهداری و امپریالیستها هر دو نیرو را مسلح میسازند، ارتش و سپاه به سادار متحدان را میکوبند و لیبرالها و حزب از کشتار و "قلاتان"ها، "اندراکاش"ها، "صوفیان"ها اشک شوق میریزند. ارتجاع میداند که جنبش در حال متمرکز ساختن نیروهای خود میباشند، ارتجاع میداند که نفاخ مبارزه توده ها همان بلای را به سراغ او خواهد آورد که پرسرور رژیم شاه آورد. آری ارتجاع اینها را میداند و نمیتواند بر خو دلنزدیده مقابل به متمرکز تر علیه جنبش روی نیاید.

در این مقابل به جوشی با جنبش امپریالیستها همه جناحهای قدرت متفق القول میباشند. همه این جناحها از طریق به نحراف کشتادن جنبش، جدا سازی نیروهای آن و سرکوب جنبش در پیسی تضعیف دشمن اصلی خود یعنی جنبش توده ها یعنی انقلابیون و کمونیستها میباشند. اما در راه این هدف نامقدس، هر کدام از جناحها به شیوه خود رفتار میکنند و میگویند تا تحقق این هدف در این طبقه با منافع طبقاتی خود باشد. سرکوب جنبش گردستان، دستگیری و اعسدام انقلابیون و کمونیستها، تشدید خفقان تحسنت بها نه جنگ ایران و عراق، سرکوب کارگران، آوارگان جنگ و دانش آموزان، آری همه این موارد، مورد توافق هر دو جناح هیات حاکمه است حتی اگر در برخی موارد فوق با ابتکار عمل حزب باشد. اما لیبرالها با سکوت خود شامه لای و توافق خود را به نمایش میگذارند. اما علاوه بر این برای منزوی ساختن و سرکوب جنبش، هر یک از جناحهای قدرت به سادار ستی روی میآورند که در عین حال منافع خاص هر بخش را نیز با سخ دهد. لیبرالها با مسک آزادیخواهی، نه تنها میکوشند توده ها را بسوی خود بکشند، بلکه همچنین در پی آنند تا بخشی از نیروهای سیاسی

لیبرالها سیاست جدا سازی خود را بروی سازمان مجاهدین خلق متمرکز نموده اند و با انواع شیادیه ها و عوام فریبیها میکوشند تا مجاهدین را در کنار خود قرار دهند. لیبرالها میداند که سازمان مجاهدین یکی از نیروهای مهم جنبش ضد امپریالیستی خلق ما است. لیبرالها میدانند که رهبری سازمان مجاهدین از خود گراشات لیبرالی نشان میدهد و لیبرالها میداند که دا شدن مجاهدین در کنار خود و کشتادن آنان بزیر شامه های خود، یعنی محدود تر ساختن دامنه جنبش انقلابی میهن و تقویت موضع خود در مقابل حزبها، امپریالیستها - چه توتواستند متحدین جدیدی مانند دارو - دستها مت برای خود پیدا کنند، اما به سبب تضاد و ویژگیهای خود جز تنفر مجاهدین نیست به خود تکیا فریبده اند. به این لحاظ علیرغم عوام فریبیهای گوناگونی چون بهشتی منفور که گفت مجاهدین "پارتنر من" هستند و یا منتظری که عوام فریبانه مطرح کرد "مجاهدین فرزندان من" هستند، سیاست اصلی حزب در مقابل مجاهدین گامکان سیاست سرکوب بوده است. اما متاسفانه تقلبات و تاپیکیریهای مجاهدین در مقابل لیبرالها، خیانت پیشه، این امکان را بوجود آورده تا لیبرالها جرات پیدا کرده و روی مجاهدین حساب کنند.

در چنین اوضاعی است که رویزیونیستها، این نوکران بورژوازی به تنب و تبا فتاده و میکوشند تا برای مقابل به با جنبش توده ها و برای خدمت به بورژوازی سیاست جدا سازی را در مقابل مجاهدین به نمایش بیاورند. رویزیونیستها نسبتا به مدافعین و شما بندگان بورژوازی از انقلاب میبهرند و میکوشند تا برای بقای سیستم در میان کارگران و خلق تفرقه اندازند. توده ها را تحمیل کنند و سرما بهداری را راکم نما یسند تا بر بحر آن فاشق آیند.

امروز در کشور ما رویزیونیستها به دو بخش اساسی تقسیم میشوند، در یکسوی رویزیونیستهای خاشا نه جها نی قرار دارند که در جهت دفاع از منافع امپریالیستهای اروپایی و آمریکا از

پیکار

جناح ارتجاعی لیبرالها حمایت میکنند و سوی دیگر رویزیونیستهای خائن حزب توده و چریکهای فدائی (اکثریت) جای گرفته اند که در انطباق با منافع سوسیال امپریالیسم شوروی بدفاع از جناح ارتجاعی حزب جمهوری برخاسته اند. هما نگونه که حزب توده خائن پس از قیام کوشید تا دولت با زرگان را به سمت شوروی بکشاند اکثریتی های خائن نیز در پی آنند تا با خاک پا شدن به چشم خلق به نوکری جناحی از هیات حاکمه برده خسته و هر چه بیشتر با جناح ارتجاع از بورژوازی را بسوی امپریالیسم روس سوق دهند. در شرایط تشدید درگیریهای دو جناح، بسا توجه به این امر که لیبرالها بسوی امپریالیسم غرب گشوداشته و میکوشند تا ایران را در مدار مناسبات تنگ با امپریالیستهای جهان - خوار اروپائی و آمریکائی قرار دهند، رویزیونیستهای خائن خروشچی ما ننسند چریکهای فدائی (اکثریت) و حزب توده میکوشند تا با استفاده از اختلافات حزبی با آمریکا و با میش نشان دادن گرگی بنا با امپریالیسم شوروی نمایلات موجود در جناحی از حزبها بسوی شوروی را تقویت نموده و این بخش از ضد انقلاب را بسوی شوروی نزدیک گردانند، این مرتدان چنین استدلال میکنند که لیبرالها از آنجا که پشتیبان امپریالیسم غرب میباشند ضد انقلابی اند، اما حزبها "فدا امپریالیست" میباشند، بخصوص آنکه در میان آنان نمایلاتی بسوی شوروی موجود است. رویزیونیستهای خروشچی با در پیوستگی تمام میکوشند تا جناحی از بورژوازی را بطور کامل مشاهده نگری نموده، تمام امکانات را در جهت تقویت و تحکیم آن بکار گیرند و شرایط را برای "راه رشد غیر سرما به داری" و با در واقع جمع راه وابستگی به سوسیال امپریالیسم فراهم سازند.

پس بر این با توجه به چنین هدفی است که رویزیونیستهای خروشچی به سا زمان مجاهدین برخورد میکنند، آنان به انحراف مجاهدین در قبال لیبرالها برخورد می نمایند تا مجاهدین را بسوی بخش دیگر بورژوازی کشانده و بدین - شریک به اهدا فاشا نه خود نزدیکتر شوند. زایه برخورد رویزیونیستهای ما نند چریکهای فدائی (اکثریت) نند در دفاع از انقلاب توده ها نند در جهت مبارزه با امپریالیستها و نند در راه استقلال و دمکراسی واقعی، بلکه زایه برخورد آنان در شرایط او جگیری جنبش با طرمقابل به با جنبش، حفظ سیستم حاکم، تقویت یک جناح از بورژوازی و خدمت به شوروی امپریالیستی است. آری تا مه توطئه آمیز سا زمان چریکهای فدائی (اکثریت) به سا زمان مجاهدین بر اساس چنین سیاستی قابل توضیح است. قبل از آنکه به فضای خط منی فدا انقلابی چریکهای اکثریت و توطئه های خائنه آنها

علیه جنبش توده ها و نیروهای کمونیست و انقلابی و در این رابطه سا زمان مجاهدین خلق سپردا زیم، لازم است تا در پیشگاه توده ها یکبار دیگر بگوئیم که فدائیان (اکثریت) کیستند؟

چریکهای فدائی اکثریت خائن به خلقند

امروز سا زمان چریکهای فدائی (اکثریت) مزورانه خود را وارث سنت های انقلابی سا زمانی میداند که در زمان رژیم شاه خائن، مبارزه ای انقلابی را به پیش میبرد. امروز این سازمان خود را ادامه دهند را انقلابی می داند که سازشنا پذیر علیه سرما به داری و کلیه مرتجعین جنگیدند و در آزادی جان باختند. اما آیا واقعیت چنین است؟ نه و هزار بار نند! سا زمان چریکهای فدائی (اکثریت) رویزیونیست و خائن به خلق است.

سا زمان چریکهای فدائی در زمان رژیم شاه علیه انحرافات چپ و نند و غیر پرولتاری ها کم بر آن سا زمانی بود که بطور سازشنا پذیر با رژیم شاه مبارزه میکرد. سا زمانی بود که در برگیرنده ما رگسیستهای چون احمدزاده ها و نا بدل ها بود که رویزیونیستهای خروشچی و حزب توده را خائن بشمار آورده و بر روی آنها تف می انداختند. سا زمانی بود که در آن انقلابی قرار داداشند که به راه خلق و به راه انقلاب ما دقا نند و فاشا ر بوندند و بطرز انقلابی علیه بورژوازی و جناحی ت آن بپیکار می نمودند. اما امروز چریکهای اکثریت چه کسانی هستند؟ آنها رویزیونیست مرتد میباشند.

رویزیونیستها کیستند؟ بقول لنین - رویزیونیستها "عالمین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و مبارزین کارگری طبقه سرما به - داران و مچریان حقیقی رفیر میس و شوی نیسم هستند." (امپریالیسم بسا به بالاترین مرحله سرما به داری). رویزیونیستها "همان کسانی هستند که به سرما به داران کمک نموده تا طبقات کارگر کشورهای مختلف را با محیط دمما زکنند، را منما بند، تحقیق کنند و در بین آنها تفرقه اندازند." (نما ها شی از دور، ۷ مارس ۱۹۱۷) بسا بر این معلوم میشود که رویزیونیستها، خائینی هستند که لباس ما رگسیسم به تن کرده و از جانب بورژوازی ما موریت پیدا نموده اند تا سیاست بورژواشی، فاشا د بورژواشی، دروغ و تباهی ر بورژواشی را بمیان کارگران و سایر توده ها رواج داده و آنها را از مبارزه طبقاتی و انقلاب منصرف سازند. رویزیونیستها اصلاحات را بجای انقلاب میگذارند، حفظ فرما نروا شی بورژوازی را بجای سرنگونی انقلابی آن قرار میدهند و میکوشند تا توده ها را نقیبا دسیاه سرما به داران باقی بمانند، در یک کلام

رویزیونیستها نوکران جیره خوار بورژوازی و خائین به طبقه کارگر و انقلاب میباشند. مگر همین فدائیان (اکثریت) نیستند که به نوکری بورژوازی بلند شده، جناحی از رژیم در کردستان را مسکوت گذا رده و کارگران را به کار بیشتر برای بورژوازی دعوت کرده اند؟ مگر همین اکثریتی ها نیستند که به کمونیستها و انقلابیون تهمت زده و بیورش برده، دست در دست حزب خائین توده گذا رده و برای خدمت به امپریالیسم شوروی کمر بسته اند؟ آری چریکهای فدائی (اکثریت) امروز به نوکران جیره خوار هیات حاکمه ضد خلقی ایران تبدیل گشته اند. اینان همان کسانی هستند که به انقلاب و خلق خیانت کرده و در کتا ریخشی از بورژوازی ایران علیه جنبش توده ها سنگر گرفته اند. آری اینان وارث راه انقلابی انقلابیون سازشنا پذیر نیستند، اینان امروز به گناب متعفن سازش با سرما به داران و دولت حامی آنان در غلطیده اند. امروز فدائیان خائن اکثریت میکوشند تا در پوشش قهرمانی انقلابیون گذشته، سازش خود را با دولت سرما به داری توجیه نموده و محق جلوه دهند. امروز آنها میکوشند در پوشش شعارهای فریبنده مبارزه با لیبرالها شیادی نموده و تها دی را کسسه سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم آمریکا و لیبرالها دارد، بجای تها دشتی نا پذیر طبقه کارگر و توده های زحمتکش با امپریالیسم لیبرالها جا زده و به این وسیله خود را "فدا امپریالیست" و ضد لیبرال معرفی کنند. مانشان خوا همیما د که چریکهای فدائی اکثریت نند فدا امپریالیست! نند ضد لیبرال. آنان آنقدر به سازش افشده اند که حتی افراد آنان در زندان به داس احترام به رژیم سرما به داران در اعتصاب کمونیستها و انقلابیون شرکت نمیکنند آری چریکهای اکثریت هرگز ادامه دهند راه احمدزاده ها و نا بدل ها نمی باشند. خط خیانت و سازش با خط انقلاب و فاشا داری به خلق هرگز برابری نمیکنند. چریکهای فدائی (اکثریت) هرگز نمیتوانند این حقیقت عربیان را ببوشانند که آنان توطئه گران علیه جنبش او جگیر نموده و مشاطه گران و عالمین سرما به داران ضد انقلابی می باشند. نگا هی به "نما سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) به - مجاهدین خلق ایران" مورخه اول دیما ۵۹ این حقیقت را روشن میسازد.

دولت حاکم ضد امپریالیست

یا متحد امپریالیسم؟

چریکهای فدائی در توضیح آرایش طبقاتی می نویسند: "جبهه ارتجاع یعنی جبهه سرما به - دارهای بزرگ، سرما به داران لیبرال، فاشا دالها و زمینداران بزرگ و همگرا نندگان و سردمداران

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

و کسار گزاران رژیم سابق سپس صحبت از "روحا نیون" فدا میریالیست و "نیروهای فدا میریالیست" می‌کنند. چریک‌های اکثریت ما نندحرف نموده حرف می‌زنند. حزب شده هم به همین سبب و سبب درون ارتجاع را تعیین می‌کند. واقعا چه نیروها می‌باشند؟ فدا میریالیست ها کم "میباشند که درجه بندی ارتجاع فرارند؟ ما هست طبقه ای این نیروها چیست؟ مشخصات فدا میریالیستی آنان کداند؟ پرواضح است که منظور فدا میباشند اکثریت از نیروهای حاکم "فدا میریالیست" بخشی از بورژوازی یعنی حزب جمهوری و خرده بورژوازی مرفه ستی (خمینی) است. ولی خوب است فدا میباشند بیما بگویند به چه خاطر این نیروها طبقه ای "فدا میریالیست" میباشند؟ لابد آنها ما برای رسوای اشغال سفارت و دشنامهای ضد امپریالیستی به آمریکا را مطرح خواهند ساخت. لابد آنها جنگ ایران و عراق را مطرح میکنند و این مسئله که آمریکا از طریق اسننگ در پی سرنگونی رژیم بوده است! ولی واقعا کبست که نند در در طی همین جنگ، تفاوتها بین امپریالیستی بین امپریالیست آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی جهت خرید سلاح از آمریکا صورت گرفت و کبست که نند اند مسئله استرداد دگروگا نهیسی ای جا سوس در طی همین جنگ، بیش از هر زمان دیگر طرح سدورژیم ایران با خفت تمام مگویشدومی - کوشد تا این ماجرا به پایان برسد. لابد کوشش رژیم جهت "ملی شدن" بازرگانی خارجی طرح میگردد. ما کبست که نند اند "ملی شدن" بازرگانی خارجی در نظر مرمما به داری وابسته تنها و تنها در خدمت بورژوازی ارتجاعی و تخفیف بحسران موجود است. و این "ملی شدن" با ملی شدن تحت حاکمیت دولت جمهوری دمکراتیک ما هستنا تفاوت دارد.

فدا میباشند صحبت اردولت "فدا میریالیست" کرده و مطرح میباشند گزاران این دولت و "سیاستها" و اقدامات فدا میریالیستی "ان حمایت نکنیم، این دولت سقوط کرده و ما موجبات روی کسار آمدن حکومتی را فراهم نموده ایم که" هیچ وطیقه ای نندارد جز آنکه جا ده ما فکنا امپریالیست میباشند. "ببینند چگونه رویزیونیستها بخشی از بورژوازی ارتجاعی و وابسته به امپریالیست میباشند" فدا میریالیست "خطاب کرده و کارگران و سایر توده ها و نیروهای مترقی را به حمایت از دولت این بورژوازی فرا میخوانند. آنان از انقلاب وحشت دارند و به همین خاطر در پی سازش دادن جنبش با ارتجاع میباشند. این سیاست همیشگی رویزیونیستهاست که چهره کریه بورژوازی را آرایش کنند و توده ها را بحالی راهبری بسوی انقلاب، به ما نند در اسارت بورژوازی و دولت آن دعوت نمایند. حال ببینیم ادعای رویزیونیستها تا واقعیت دارد؟ ما میبهرسیم "نیروها". فدا میریالیست حاکم نمایندگان چه طبقه ای هستند؟ به بنیستهای اکثریتی در سراسر مقاله، این سوال را مسکوت میگذارند

ولی برواضح است که اگر لبریا لها نما بندگان بخشی از سرما به داران ایران میباشند که دست و پا میباشند در سرما به جها نی گروه خورده است. حربیها نیز نما بندگان سرما به داران هستند اگر قبول داریم که شیوه تولیدی حاکم در ایران سرما به داری بوده و این سرما به داری اساسا محصول نفودا میریالیستها میباشند و بنا بر این وابسته میباشند اگر قبول داریم که در ایران دو شیوه تولیدی سرما به داری موجود نیست و همه سرما به داران در همین شیوه تولیدی حاکم است. استشاری کارگران بردا خته و ارزش اضافی استخراج میکنند و به ز تولید میپردازند، بدین ترتیب روشن است که در این صورت صحبت از "سرما به داران ملی" جز بیان حماقت و چاگری بورژوازی چیز دیگری نخواهد بود. حربیها یعنی بهشتیها، رفسنجانیها، رجا نیها، آیتها... نما بندگان سیاسی سرما به داری میباشند. با شند که دست و پا میباشند در سیستم سرما به داری وابسته ایران گروه خورده و در جها نی کسود و اردوگا همیشه وجود نندارد، نمیتوانند حاکمی و مدافع اردوگا مرمما به داری امپریالیست میباشند. حربیها ما نند لبریا لها هرگز نمیتوانند فدا امپریالیست میباشند، آنان امروز دست در دست هم به با زبانی سیستمی بردا خته اند که در عمق و تار و پود خود به امپریالیستها میباشند خورده است. آنان مدافع سیستمی میباشند که میلیونها دلار سرما به امپریالیستی در آن در حال گردش است و سالانه میلیونها تومان سود از قبل غارت و استخما رتوده ها به نیفا میبرند. و امروز شاخصی ما نند آیت الله خمینی علمبرغم تمام موعو مغربینها چکا رسگری جز حماقت از همین سیستم و همین سرما به داران انجا میدهند؟ فانون اساسی حکومت جز دفاع از سرما به داران چیردیگری میباشند؟ سیاست آنان مستقیما در خدمت سرما به داری وابسته به امپریالیسم در جهت سرکوب همه طبقات و نیروهای میباشند که علیه این سیستم کندیده میباشند.

نما مشاهده میباشند رویزیونیستها نمی توانند واقیعات را بسپوشانند. واقعیت این است که دولت حاکم یک اجتماع تصادفی از افراد نیست. این دولت در برگیرنده همان نمایندگان است که از سرما به دفاع می نمایند. حال آیا دولتی که دستگا حکومتی شاه جلاد را به ارث برده است، دولتی که ارتش دست پرورده امپریالیسم آمریکا را بخدمت خود گرفته است، دولتی که به بندیستهای میباشند با امپریالیستها مشغول است، دولتی که مدافع سیستم سرما به داری وابسته و حافظ میباشند امپریالیستی است، دولتی که سرکوبگر توده های مبارز، انقلابیون و کمونیستهاست، دولتی که ما و کیها و جناحیت - کاران سلطنت طلب را آزاد کرده و با آنها همکاری میکند، اما شکت چه کمونیستها و انقلابیون است، دولتی که جز گرسنگی و فقر و فلاکت و استبداد و دوخفا ن برای توده ها به ارمغان نیاورده است، آیا چنین دولتی "فدا میریالیست"

است؟ تنها خاشین به طبقه کارگر و کسانیکه در پی سازش دادن جنبش با ارتجاع میباشند، دولت حاکم را "فدا میریالیست" میخوانند، دولت حاکم یک دولت ارتجاعی و ضد مردمی است و هر کس که بگوید کاران از این دولت با یسد بختی میباشند، به آزادی و استقلال و به انقلاب خیانت کرده است. حمایت از این دولت یعنی حمایت از متحدان امپریالیسم و حمایت از جلادان خلقهای سراسر ایران، حمایت از این دولت یعنی نفی میا رزه طبقه ای، یعنی نفی میا رزه فدا میریالیستی، رژیم کدر جناحی است علیه انقلاب و توده ها هیچ دست کمی از رژیم شاه جلاد نندارد، رژیم کدر عوام فریبی و فریب توده ها دست رژیم شاه را از پشت بسته است، رژیم کدر میا رزه فدا میریالیستی را سرکوب میکند، آری جنبش رژیم کدر و هرگز نمیتوانند فدا امپریالیست میباشند و هر کس غیر از این بگوید خاشین به منافع تاریخی توده هاست، و فدا میباشند اکثریت غیر از این میگویند، و به همین خاطر خاشین به توده ها میباشند.

بر خلاف آنچه که رویزیونیستهای مرتدمی - کوبند، این دولت جا ده ما فکنا امپریالیسم است. و بنا بر این، میا رزه علیه امپریالیسم از میا رزه علیه جنبش رژیم کدر جدا نخواهد بود. هر کس میا رزه فدا میریالیستی را از میا رزه علیه ارتجاع داخلی و تمامی مدافعین و نما بندگان بورژوازی ارتجاعی جدا کند، به میا رزه فدا میریالیستی خلقها خیانت نموده است. اگر امپریالیسم در ایران غارت و چپاول میکند، این غارتگری به تگنا طبقه و رژیم کدر صورت میگردد که شرایط را برای غارتگری امپریالیستی فراهم نموده است. رژیم جمهوری اسلامی با سادار مناسباتی است که برپا یسه آن امپریالیستها استخما میکنند و به غارتگری مشغول میباشند. بنا بر این برواضح است که میا رزه فدا میریالیستی از میا رزه علیه ارتجاع داخلی هرگز جدا نمیتواند شد و رویزیونیستها و از جمله فدا میباشند (اکثریت) که این دو میا رزه را از یکدیگر جدا میکنند، خیانتکاری میباشند که عمال بورژوازی بوده از شدا انقلاب وحشت زده گردیده، در پی سازش دادن خلق با ارتجاع حاکم و ضرب زدن به جنبش دمکراتیک - فدا میریالیستی توده ها هستند. رویزیونیستهای فدا میباشند مقدمه چینی در پی فریب توده ها و به سازش کشادن مجاهدین با دولت وطیقه حاکم میباشند.

چریکهای فدائی (اکثریت) از انقلاب وحشت دارند

چریکهای فدائی (اکثریت) به مجاهدین خلق میگویند: "وقتی یک یا چند نند از نیرو - های خلق روشهای غلط و مخرب و با نفاق افکنانه - ای را در پیش گیرند، آیا با برنبر و ما مجاز نند و به خاطر مقابله با این روشها و روشهای نادرستتر

توسل جویند... آما محازددراسن شرائط
 ظخیریه عنوان "اهمیت اخلاقات بپس خودوها"
 مبارزه با توطئه های امپریالیسم آمریکا را در
 مرتبه دوم اهمیت فراردهند؟" و سپس اضافه می -
 کنند که روح نبون "فدا مپریالیست" اندو "پادار
 - ان انقلاب"، نیروئی است فدا مپریالیست و
 ضدفئودال و مخالف سرما به داران و وابسته " (ا)
 روشن تر از این به مثا طه گری ارتجاع
 نمیتوان پرداخت، رویزیونیستها به ما هدین
 میگویند و لا بورژوازی جنایت نمیکند، بلکه
 ممکن است دسته های به "روشای غلط و مخرب
 و با نفاق افکنانه" روی آوردن تا آگسیر
 سرما به داران و نیروهای سرکوبگران "روش های
 نادرست" بکار گیرند، با بدچشم پوشید، چمسون
 با لایحه سرما به داران هم جزو "خودی ها" هستند،
 آنها "فدا مپریالیست" میباشند و "پاسداران"
 آنها هم "فدا مپریالیست" میباشند، رویزیونیستها
 اسم گشتا رگونیستها و ما هدین را "روش غلط"
 نام میگذارد و کشتا رونقتل عام "قارنا" ها،
 "قلان" ها و "ابندرقاش" ها را "روش غلط" نام
 میگذارد، کشتا ردا ننگه "را روش غلط" نام
 میگذارد، زهی و فاحت و بیشرمی فقط افراد
 هاشن میتوانند چنین صحبت کنند، آری رویز
 یونیستها خبا نتها و جنایات مستمر حکومت
 ارتجاعی جمهوری اسلامی را "روش نادرست" نام
 میگذارد و سپس نیروهای آگاده را دعوت به
 سکوت میکنند، بسینید شوکر مفتی رویزیونیستها
 چقدر عمیق است، رویزیونیستها هیچگاه نسبت
 انقلاب و توده ها را نمیگیرند، آنها همیشه
 طرفدار رژیمهای ارتجاعی بوده و یکدم از پوشیده
 نگا هدا شتن دروغها و جنایات بورژوازی غفلت
 نمیکند، کشتا رورکوب و مستمها ست طبقا تسی
 سرما به داران است، سرما به داران زالموشت
 بدون سرکوب طبقا تسی، بدون درهم شکستن مقاومت
 خلق توسط نیروی سرکوبگر خود، نمیتوانند در
 قدرت بمانند، خبا نت خواهد بود اگرسیا سمت
 سرکوبگران ارتجاع را از ما هیت طبقا تسی آن
 جدا سازیم و خلق را دعوت به سکوت نمائیم، با بد
 چهره گریه ارتجاع را به توده ها شناسنا ندوبه آنها
 گفت که اعمال ستم و خونریزی ارتجاعی، ناشی از
 ما هیت طبقا تسی رژیم جمهوری اسلامی است، باید
 به آنها گفت در برابر قهر ارتجاعی با بدچهره
 انقلابی توده ها را قرا رداد،
 اما رویزیونیستها که مخالف سرسخت افشا
 شدن چهره ارتجاع میباشند، به توده ها کمونیستها و
 ما هدین میگویند با بدچهره ارتجاعی را رژیم
 حاکم سکوت گردونه تنها با بدسکوت کرد، بلکه
 شما "میبا بدبها به داران را نیروئی ضد
 امپریالیست و مدافع انقلاب معرفی کنید"،
 حال با بدبینیم رویزیونیستها از این مقدمه -
 جینی چه هدفی را تعقیب میکنند؟ آنها خطاب به
 ما هدین میگویند: "همه گروهها دست در دست هم
 بگذارند، از تشدید اختلاف و دشمنی با یکدیگر
 بپرهیزند"، رویزیونیستها ادا مه میدهند:
 "خواستنا ندکه میان ما و شما، میان فدا شیان و

ما هین با دیگر نیروهای فدا مپریالیست
 فاطمه بیا ندا رسد"، و لایحه میگویند: میبایست
 "بسی گسترش همکاری و همکاری و اتحاد عمل
 همه نیروهای فدا مپریالیست و انقلابی" به پیش
 رعت، هدف روشن است، رویزیونیستها بیما به
 عا ملین بورژوازی در پی اتحاد و وحدت ستمگرو
 ستمکش میباشند، در پی سارش فدا انقلاب و انقلاب
 میباشند، جنبش در حال پیشروی است و
 رویزیونیستها در حال دور اندیشی برای
 بورژوازی، آنها میخواهند ما هدین خلق را از
 مغوف خلق جدا نموده و آنها را به صف بورژوازی
 و فدا انقلاب بپیوندند، و بدین ترتیب به جنبش
 ضربه بزنند، رویزیونیستها نسبت به انقلاب و
 جنبش نفرت دارند و به همین لحاظ تا آتجا کسه
 قدرت دارند میگویند تا بخشهای از جنبش را
 خنثی نموده و ما بورژوازی نمایند، فدا تسی های
 اکثریت هما نند حزب توده در پی ایجاد "جبهه
 متحد خلق" متشکل از سرما به داران و خسرده -
 بورژوازی مرفه سنتی، رویزیونیستها ی خاشن و
 ما هدین خلق میباشند، آنها میخواهند زیر
 پرچم بورژوازی، ما هدین را متحد خود ساخته و به
 مقابله با جنبش خلق ببلند شوند، آنها میخواهند
 ما هدین را به چما ق سرکوب بورژوازی ورژیم
 حاکم تبدیل سازند، این است هدف خاشنا ند
 رویزیونیستها،
 اما آیا بورژوازی و نوکران آن یعنی
 رویزیونیستها، با دیگرانهای انقلابی هم
 سروشت میباشند؟ نه هرگز! تفا دمان رویزیو -
 نیستها با دیگرانها از مقوله تفا دفا انقلاب و
 انقلاب است، هیچ منافعی انقلابیون دمکرات
 را به سرما به داران، رژیم سرما به داران و نوکران
 آنها بپیوند نمیدهد، و پرواضح است که ما هدین
 خلق با خلق و انقلاب توده ها هم سروشت اندنه
 با رویزیونیستها و رژیم ارتجاعی جمهوری
 اسلامی، اما متاسفانه ما هدین خلق بدلیل
 تزلزلات و انحرا فات راسترو نه خود، خط میان
 خود و رویزیونیستها را تا همین یک هفته خیسر
 روشن نسا خته بودند، تا رویزیونیستها نسدای
 اتحاد دسرندند، متافخ جنبش دمکراتیک - فدا
 امپریالیستی خلقهای ما می طلبد تا دوستان
 ما هدین مرز بندی خود را با آنها مستحکمتر
 ساخته و توطئه های فدا انقلابی آنها را بنویسه
 خود هر چه بیشتر خنثی نماید،
 آری رویزیونیستها ی فدا تسی میگویند با
 سازش دادن ما هدین خلق و ارتجاع حاکم و بسا
 جدا سازی ما هدین خلق از مغوف جنبش به مقابله
 با جنبش توده ها و نیروهای آگاده دست بزنند،
 رویزیونیستها به ما هدین ایراده میگیرند که
 هواداران ما هدین چرا در مدارس به مبارزه
 علیه انجمن های وابسته به رژیم دست میزنند و
 چرا به افشاگری علیه ارتجاع میپردازند، و سپس
 میگویند: "آیا اکنون زمان آن نیست که بسا
 تما مقوا بکوشیم تا در مدرسه و کارخانه، در خانه و
 محله جلوی هرگونه تشنج و درگیری را که زمینه -
 ساز آن یا مرتجعین فدا انقلاب هستند و یا عنا صر

سا آکا و فریب خورده سگرم؟"، چرا نکوشیم که
 خرج کارخانه ها را در خدمت پیروزی در جنگ و
 سعوت پشت جبهه آن به حرکت درآوریم؟ چرا
 نکوشیم ما تل فرعی را از راه ماملت و مامله
 حل کنیم و به مسئله اصلی بپردازیم؟ و سپس
 رویزیونیستها خود جواب میدهند: "این وظیفه
 ما ست که ما طبقا تسی ایستیم و جلوی تشنج و درگیری
 را بگیریم، و "وظیفه ما ست که نگذاریم شهرها به
 آشوب کسیده شود"،
 امروز ما رده طبقا تسی بیش از هر زمان
 دیگر در حال اوگری است، مبارزه انقلابی در
 کردستان، مبارزه انقلابی در شهرهای شمالی
 کشور، مبارزه و ارگان جنگ در نقاط مختلف
 مبارزه در مدارس، مبارزه در کارخانه ها، مبارزه
 در سراسر ایران، اساس ایران امروز، چرا
 بورژوازی را س مبارزانه و وحشت نیعتند؟
 چرا بورژوازی ساکت بنسند؟! امروز توده های
 بسیار وسیعی هستند که نسبت به این رژیم و
 اعمال جنایتکارانه اش نفرت دارند و خواهان
 نابودی آن هستند، پس آیا نوکران بورژوازی
 نباید به مبارزه با بورژوازی برسد؟ آیا رویزیو -
 نیستها نباید "صلح اجنماعی" را تبلیغ کنند؟
 آیا رویزیونیستها نباید تشخمش و نفرت توده ها
 را خاموش سازند؟ آیا رویزیونیستها نباید جلوی
 "تشنج" و یادرواقع جلوی رشد مبارزه طبقا تسی
 را بگیرند؟
 لنین کیبرد را ره رویزیونیستها میگوید:
 "ریا کاری عظیمی است: انقلاب را زانسی
 میپذیرند و در برابر کارگران در مبارزه
 پذیرفتن انقلاب با جملات پرطمطراق جلوه
 میفرشند، اما در عمل نسبت به هسته ها،
 جوانها و پدیده های رشد انقلاب ماندر -
 کونه اقدام توده ها که شکننده قوا نیسن
 بورژوازی با شدو ا زدا شده هر قا تونیستی
 خارج شود، از قبیل اعتمادات توده های،
 تظاهرات خیابانی، اعتراض سربازان،
 میتینگ در ارتش، بخش تراکت در سرباز -
 خانه ها و اردوگاهها و غیره، بر خوردی کاملا
 رفرمیستی دارند... بورژوازی سراسر
 جهان که با تما مقوا، با کوش عظیم، بسا
 درایت و عزمی را سخ از هیچ جنایتی رو -
 گردان نیست عده کثیری از کشورهای رابسه
 گرسنگی و نابودی همگانی محکوم ساخته،
 سرکوبی پرولتاریا را در جنگ داخلی
 فرار سنده تدارک میسند و
 قهرمانان انترناسیونال
 برن (بخوان چریکهای فدا تسی اکثریت)
 مانند حقان ویا آخوندهای ریاکاریا
 پروفسورهای فضل فروش، ترجیع بندکهن
 و مبتذل و فرسوده رفرمیستی را سردا ده اند
 منظره ای از این زشت تر و نفرت انگیزتر
 وجودندارد... بورژوازی نوکرانی لازم
 دارد که بخشی از طبقه کارگر به آنها اعتماد
 داشته باشند، نوکرانی که بورژوازی را بسا
 عبارت پردازی های خود در باره امکان راه

را با سد حلب کرد و در نتیجه شبهه محض انقلاب را با ید برای معالجه با انقلاب و جنبشی کسسه میروند دستگا هظلم و جور را سرتگون کند، مستحکم کرد اند.

مبارزه ضد لیبرالی روپزیونیستها، دروغ است

بدین ترتیب روشن است کسی که نسبت به جنبش توده و جنبش آکا ه دشمنی میورزد و دست در دست هیات خاک که قرار داده است، نمیتواند ضد امیریا لیست باشد، نمیتواند ضد سرما یه دار و ضد ارتجاع باشد، و مگر نه اینکه لیبرالها همان

نیست که حاشمن به خلق، سا زمان ما را "مسد انقلابی" میخوانند، اینان نیز ما نندرزیم، انقلاب را "ضد انقلاب" جلوه میدهند تا توده ها را سر بیند و دشمنی خود را به نمایش بگذارند. برای ستی نیروها شی ما نند سا زمان بیگا ر در راه آزادی طبقه کارگر که پیوسته به آ زمان طبقه کارگروفا دارمانده و پیگیری اند در راه انقلاب پیش میروند، چرا نفرت بورژوازی و نوکرا نش را برنیا نکیزد؟ نه! این طبیعی است که ریزیونیستها علیه نیروهای کمونیستی پیگیر و از جمله سا زمان ما فحاشی نما یند، سا زمان ما در طول مبارزات خود علیه رژیم محمدرفا شسا ه خا شن ورژیم جمهوری اسلامی پیگیری انبه مبارزه

رفرمیستی، بیا را یند و زیبا کنند، نوکرا نی که با این عبارت بردا زیبا خاک در چشم خلق بیا شد و خلق را رنگ آمیزی مؤعید و امکانا ت راه رفرمیستی از انقلاب منصرف گردانند. (النین در باره وظایف انترناسیونال سوم - ۱۴ اوت ۱۹۱۹). آری ریزیونیستها در مقابل بورژوازی و رژیمی که از هیچ جنایتی رویگردان نیست و توده های بیشماری را محکوم به گرسنگی و فقر و فلاکت نموده، به چاگری بردا خسته و میکوشند تا ما نند "احقان و بیا آخوندهای ریاکار" خلق را از مبارزه علیه بورژوازی منصرف گردانند، ما از آنجا که این مبارزه ریشه در بطن مناسبات اجتماعی موجود گرفته و علیرغم خواست ارتجاعی سرما یه داران و نوکرا ن آنان بوجود میاید و رشد و گسترش پیدا میکند، چه راه دیگری جز مقابله آشکار و سرکوب باقی میماند؟ مسئله اساسی در همینجا است.

ریزیونیستها ی خا شن فدا شی، مبارزه طبقه ای را "تشنج" و انمود سا خته، مقاصد و انقلابی را "شوب" جلوه داده و سپس مطرح می - سا زند در برابر "تشنج" و "شوب" در مدرا رسوکارخانه ها و شهرها با ید "قاطعانه" ایستادگی نمود. ریزیونیستها ما نند سخنگویان جمهوری اسلامی به بورژوازی خط میدهند که در مقابل جنبشها با ید "ایستاد" یعنی با ید به سرکوب جنبش توده ها اقدام کرد، ببینید چگونه دستهای ریزیونیستها به جنا یات هولناک سرما یه داران آلوده است.

اما ریزیونیستها ی فدا شی در این وظیفه ننگین میخوانند همکارانی نیز داشته باشند، آنان میکوشند تا مجاهدین خلق را همدست بورژوازی سا خته و در کار در "جبهه متحد خلق" و سا در واقع جبهه متحد ضد انقلاب به مقابله با جنبش انقلابی توده ها بپردازند. ریزیونیستها به ما هدیین میکوبیندند تا از مبارزه خود علیه ارتجاع دست بکشید، بلکه به علاوه دستها را با ید با لار زدن جلوی اعتماد با ت کارگری در کارخانه ها گرفته شود، مدارس در سکوت مرکبا رفسرو روند، سرما یه داران خونخوار غارت کنند و رژیم منفقور جمهوری اسلامی به حاکمیت ضد خلقی خود ادا مه دهد، ریزیونیستها با ی تحقق این هدف ضد انقلابی خود میداندند که کمونیستها ی پیگیر سا زش نا پذیر یند و به هیچگونه سا زشی و مما ثاتی با رژیم حاکم ن نخواهند داد، اگر مجاهدین خلق از خود تزلزل نشان میدهند و یا تزلزلات خود ریزیونیستها را ترغیب می نمایند که برای شان "تا ما اتحاد" بنویسند، اما کمونیستها ی پیگیر که هم در برابر بورژوازی و امیریا لیستها و هم در برابر نوکرا ن آنان سا زش نا پذیر میباشند، هیچگونه مکان عوامفریبی به ریزیونیستها نمیدهند و بنا بر این بی سبب

سیاست کمونیستی مظلوم نمایی در پیشگاه "بالا نیها" نبوده و نیست، کمونیستها به مبارزه طبقاتی، توده ها اتکا دارند و بس. سیاست کمونیستها تکیه بر یک جناح از بورژوازی نبوده و نیست، کمونیستها فقط به انقلاب و قدرت لایزال توده ها ایمان دارند و بس.

سرما یه داران و همان ارتجاع میباشند، پس چگونه ممکن است همدست ارتجاع و سرما یه دار بود و در همان زمان مخالف لیبرالها ی خا شن؟ نه! هرگز! سا زمان چریکهای فدا شی اکثریت از موضع یک طبقه انقلابی با لیبرالها مبارزه نمی - کند. مخالف ریزیونیستها ی فدا شی با لیبرالها به این خاطر است که بین دزدها یعنی حزب جمهوری و لیبرالها اختلاف است و اکثریتی - ها طرفدار دزدها و شیادان حزب جمهوری می - با شد، مخالف ریزیونیستها ی فدا شی با لیبرالها به این خاطر است که سوسیال امیریا لیسم شوروی با لیبرالها که طرفدار امیریا لیستها ی اروپا شی و آمریکا شی میباشند، میان خوبی ندارد و اکثریتی ها مدافع امیریا لیسم روس میباشند. مخالف ریزیونیستها ی فدا شی با لیبرالها از یک موضع انقلابی و ضد سرما یه داری نیست، این مخالفت از یک موضع ریزیونیستی بورژواشی و ضد انقلابی است، این مخالفت از موضع دفاع از حزب ارتجاعی جمهوری و امیریا لیستها ی شوروی میباشند.

انقلابی خود ادا مه داده است، سا زمان ما بنا به ما هیت کمونیستی خود لحظه ای فکرا زش با ارتجاع را بخورد ا نه داده است و پیوسته در راه آ زمان پرولتاریا به پیش رفته است. بنا بر این چرا ریزیونیستها نسبت به این سا زمان کینه - نورزند؟ سا زمان ما پیوسته حقیقت را به کارگرا ن و سا یر توده ها گفته و تمام جنا یات سرما یه داران ورژیم حاکمی آنها را در پیشگاه توده ها افشا نموده است، بنا بر این چرا ریزیونیستها نسبت به این سا زمان نفرت نداشته باشند؟ سا زمان ما بطور فعال در مبارزات انقلابی از جمله در کردستان قهرمان شرکت داشته و بطور مستمر اید انقلاب را به میان توده ها برده است. بنا بر این چرا ریزیونیستها نسبت به این سا زمان دشمنی نکنند؟ سا زمان ما بطور فعال و پیش از هر نیروی دیگر به افشای چهره کریمه ریزیونیستها و سوسیال امیریا لیسم شوروی پرداخته است، بنا بر این چرا ریزیونیستها نسبت به این سا زمان به تبلیغات زهر آکین ضد انقلابی دست زنند؟

ضدیت خا شن نه چریکهای فدا شی اکثریت با سا زمان ما نشانه ضدیت آنها با کل جنبش کمونیستی ایران، با ما رکیسم - لنینیسم و طبقه کارگرا است. ریزیونیستها مذبحخانه ی - کوشند تا کمونیستها و بخصوص سا زمان ما را منفرد سا خته و همهای بورژوازی سرکوب نمایند، ولی در همان زمان ریزیونیستها ی توطئه گر خروشچی میکوشند تا انقلابیونی را که از خود تزلزل نشان میدهند از کمونیستها دور سازند و آنان را به جبهه بورژوازی نزدیک نما یند، آنان به ما به نما یندگان "دوران دیش" هیات حاکمه به بورژوازی خط میدهند که کمونیستها را با سد سرکوب کرد، نیروها شی که تزلزل نشان میدهند

آری مخالفت چریکهای اکثریت با لیبرالها برای طرفداری از انقلاب نیست، تبلیغات عوامفریبانه ضد لیبرالی آنان جز شایه چیز دیگری بیش نیست و هرگز نمیتواند کمونیستها، انقلابیون و توده های آکا ه را فریب دهد. ضد لیبرال راستین کسی است که از انقلاب وحشت نداشته باشد، ضد لیبرال راستین کسی است که علیه حکومتی که در آن لیبرالها سهم میباشند مبارزه انقلابی کند، ضد لیبرال راستین کسی است که ضد سرما یه دار باشد، ضد لیبرال راستین کسی است که با نیروهای کمونیستی که علیه لیبرالها ی خا شن پیوسته مبارزه کرده اند، دشمنی نکند، بنا بر این پرواضح است که

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

چریکهای اکثریت هرگز نمیتوانند ضد لیبیرالهای راستین باشند، آنها نمیتوانند از موضع سیاسی انقلابی علیه لیبیرالهای خیانت پیمانه مبارزه کنند. مبارزه علیه لیبیرالها از مبارزه علیه مبارزه حزب جمهوری وکل رژیم جمهوری اسلامی جدا نمیشود و به همین دلیل مبارزه "ضد لیبیرالی" رویزیونیستهای فدائی یک دروغ شیادانه است. آنان این پرچم دروغین را بلند کرده اند و شش جنبش توده ها را بغیر بیست و خود را در مقابل ضد امپریالیستهای که در برابر لیبیرالها تزلزل و نا بیگیری نشان میدهند، محق جلوه دهند. پس بکوشیم این پرچم دروغین را با ره کنیم و دروغ و نیرنگ رویزیونیسم را یکبار دیگر بشما پیش گذاسیم.

میگویند: "حما ما میروند که دوستان جهان نیستی خود را بسا بد" و جمهوری اسلامی مبارزین را حمایت همه جانبه و بی دریغ منحرفین و دوستداران و مدافعان واقعی انقلاب ما در ایران وجهان" برخوردار گردید. (تا کید زما ست) و سپس اضافه میکند: "هر چه ما میکشیم از امپریالیستهای آمریکا، اروپا، ژاپن است". این حقیقتی است که امپریالیسم آمریکا، در دوران رژیم پهلوی به شما به امپریالیسم فاشیست در ایران عمل کرده است، این حقیقتی است که امپریالیسم خودخواه آمریکا و در کنار آن امپریالیستهای اروپا، ژاپن پیوسته شما به امروز به غارت خلق ما مشغول بوده و میباشند اما این نیرحقیقتی است که سوسال امپریالیسم شوروی در کنار شما بر امپریالیستها در چپ اول

واسته به امپریالیسم روس بنمایند، آنسان ن فریبکارانه شوروی را سلاک تر میخوانی نشان داده و هرگز نمی توانی را که نسبت به شوروی نزدیکی داشته باشی "مترقی" یا "دارای سمتگیری مترقی" نشان مدهند. طبق نظر رویزیونیستها و جمله حزب خائن توده زمانی که ممرسا داتدر کنا شوروی بود "مترقی" بود، اما زمانی که سادات خائن در کنا را مریکا قرار گرفت امپریالیسم و ارتجاعی گردید، زمانی که رژیم سوما لئ در کنا شوروی سود و سود شوروی از اجاره استقسرائ با یگا به نظر می داد بود "مترقی" و با سمتگیری سوسیالیستی بود، اما زمانی که رژیم سوما لئ بسوی آمریکا رفت ارتجاعی را برآورد. امروز آنان رژیمهای ارتجاعی ای ما ننسند اتیوپی، سوریه، ... را مترقی و انقلابی جلوه میدهند، زیرا این رژیمها وابسته و وابسته یک به سوسال امپریالیسم میباشند، اما فردا ...؟ رویزیونیستهای خروشگچی از ما هیت لقب میزنند رژیمها حرکت نمیکنند، آنان تا خصم و دشمنی این رژیمها را نسبت به انقلاب و توده ها سلاک قرار نمیدهند، آنان از این معیار حرکت میکنند که کدا رژیمها چه میزان نسبت به شوروی نزدیکی دارد.

● یک مبارزه انقلابی مبارزه ای است که علیه کل هیئت حاکمه باشد، مبارزه ای است که در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد، مبارزه ای که در راه تحقق انقلاب توده ها باشد.

رویزیونیستها برای نفوذ سوسیال امپریالیسم فعالیت میکنند

اگر از یکسورویزیونیستهای فدائی میگویند تا چا کرانه خدمتگزار بورژوازی حاکم باشد، در همان حال با تمام قوا میکوشند تا بسورژوازی خودی را بسوی "دوستان جهان نی" سوق دهند. رویزیونیستهای نوگرفت و مزدور حزب توده کم بودند، حالا رویزیونیستهای فدائی نیز وارد گود شده اند؛ برای آنکه سوسال امپریالیسم شوروی به اهداف توسعه طلبانه خود برسد، رویزیونیستهای خروشگچی وطنی تقسیم کار میکنند. حزب توده از "دوستان جهان نی" تعریف میکنند و اکثریتی ها برای "حیات حاکمه ضد امپریالیست" هورا میکشند. حزب توده تملق بورژوازی را میگوید و اکثریتی ها در برابر سمیت - گیربهای جدید و مثبت دولت ایران در عرصه جهانی داد سخن میدهند، آری چریکهای فدائی (اکثریت) وظایف متعددی دارند: نوکسری بورژوازی حاکم و خدمتگزار امپریالیسم شوروی، آنان برای روزی آه میکشند که امپریالیسم شوروی بجای امپریالیسم آمریکا در ایران حاکم گردد، آنان که مبدا نندبین امپریالیست - های آمریکا و وحشی از هیات حاکمه اختلافات شخصی وجود دارد، در پی آنند تا بسا چا بلوسی های نفرت انگیز خود دل بسورژوازی مرتجع را بدست آورده و او را برای سازش با امپریالیسم شوروی تشویق نمایند. رویزیونیستها

خلق ما سهم بوده است و پیوسته در کنار دشمنان انقلاب توده ها یعنی رژیم مزدور شاه و رژیم جمهوری اسلامی قرار داشته است، امروز میر - با لیسیم آمریکا، نیروی امپریالیستی اصلی است که در کشور ما نفوذ و رسوخ دارد، اما ندیدن نفوذ شما بر امپریالیستها و جمله شوروی امپریالیستی جز خیانت به خلق چیز دیگری نیست. امروز شوروی کنونی، دیگر کشوری - و سوسالیستی به رهبری لنین و استالین نیست که نزدیکی برادرانه با آن، نشانهای از شرقی - خواهی باشد. هر نیروی و کشوری که در کنار شوروی تحت رهبری لنین و استالین قرار نداشت، لاجرم در کنار امپریالیستها و مرتجعین جهان نی جای داشت، اما امروز وضع تغییر یافته است، شوروی سوسیالیستی و پشتیبان انقلاب خلقها به شوروی امپریالیستی و پشتیبان ارتجاع تبدیل شده است، امروز اهمیت این است که مبارزه علیه امپریالیستهای آمریکا شئی، اروپائی و ژاپنی از مبارزه علیه سوسال امپریالیسم شوروی بهیچوجه جدا نمیتوانند باشد کسانیکه در مقابل شوروی کنونی تزلزل بخارج دهند، آینه خطرناکی در برابر آنان قرار دارند و این هشاری است از جمله برای سازمان مجاهدین خلق.

اما رویزیونیستهای خروشگچی وطنی که در راه منافع سوسال امپریالیسم حرکت میکنند نه تنها میکوشند تا شوروی را "دوست خلقها" نشان دهند و جنبش خلقها را به انحراف بکشانند بلکه همچنین سعی می نمایند تا رژیمهای ارتجاعی را بسمت شوروی سوق داده و آنها را

رویزیونیستهای فدائی نیز همین سلاک را بکار میگیرند، آنان میکوشند تا گرایش که در برخی محافل حکومت ایران بسوی امپریالیسم روس وجود دارد را تقویت نموده، رژیم ایران را در کنار "دوستان جهان نی" خود قرار دهند و آنرا از جنبه امپریالیستهای غربی دور سازند. رویزیونیستهای فدائی میخواهند بین منافع بورژوازی حاکم و امپریالیسم شوروی یگانگی بوجود آورده و به همین لحاظ به معا بله جوئی با لیبیرالها و مبارزین امپریالیستهای غربی میپردازند. بنا بر این فدائیان رویزیونیست، در پی استیصال کشور شما شده اند، آنان میخواهند ایران در بربروغ امپریالیستهای شوروی قرار بگیرد. آری رویزیونیستهای خائن هیچگاه نمیتوانند ضد امپریالیست باشند، نگاه کنید، سه جهانی های وطنی، طرفدار امپریالیسم عرب و مخصوص امپریالیستهای "جهان دوم" آنان میباشند و رویزیونیستهای خروشگچی طرفدار امپریالیسم شوروی هستند. به همین لحاظ آنها هرگز نمی توانند برای استقلال و آزادی واقعی مبارزه کنند. ضد امپریالیست راستین کسی است که علیه تمامی امپریالیستهای جهان مبارزه کند. بدین ترتیب ما تا به اینجا کوشیدیم تا نشان دهیم که رویزیونیستهای فدائی دشمنان انقلاب بوده و همدست ارتجاع حاکم میباشند، ما کوشیدیم تا نشان دهیم که در شرایط اوچکیسری جنبش توده ها نه تنها بسورژوازی به وحشت می افتد، بلکه علاوه بر رویزیونیستها نیز هزار سناک شده و با تمام قوا میکوشند تا سورژوازی را از خطر

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی حامی او

انقلاب را هائی بخشند، آنها میکوشند تا با ضربه وارد کردن به جنبش دمکراتیک - فدا میریالیستی توده ها و سرکوب آن ها کمیت ارتجاع را از خطر نیستی نجات دهند. حال با توجه به چنین هدف خائنه ای است که ما زمان حریکهای فدا شسی اکثریت به ما هدین خلق نا مه نوشته و با بیان یک مشت خز عیلات فدا نقلسی و آرایش چهره زشت بخشی از هبات حاکمه ارتجاعی میکوشند تا ما مجا هدین خلق را از جنبش کمونیستی دور ساخته و این نیروی فدا میریالیستی را سه جبهه - سورژوای نزدیک گردانند. برای این منظور فدا شنان رویزیونیست خود را فدالبرال وانمود ساخته و میکوشند تا انگشت گذاردن بر طاق عسبون لبرالها و در عین حال انحراف مجا هدین در قبال لبرالها، آنان را بسوی تره سبای رویزیونیستی خود کشانند، رویزیونیستها می کوشند تا انگاه این ترها و با توطئه های رنگارنگ، مجا هدین را در موضع ضعف قرار داده و زمینه دور ساختن مجا هدین از جبهه انقلاب را فراهم سازند.

ما اگر چه این توطئه های خائنه را افشا کرده و ما هبت مزورانه، رویزیونیستها را سر ملای میکنیم. ما اگر چه موضع گیری اخبر سازمان مجا هدین علیه رویزیونیستهای حزب توده و چریکهای فدا شکی کنریت را یک گام مثبت ارزیابی کرده و سرور میبای شیم، اما هرگز نمیتوانیم نسبت به انحراف مجا هدین در قبال لبرالهای فسد انقلابی چشم پوشی ساشیم. چرا که بنظر ما عدم مرز بندی روشن مجا هدین با لبرالهای خیانت پشه بزرگترین عظری است که این سازمان ضد امیرالیستی را تهدید می نماید. مجا هدین در پاسخ خود سه رویزیونیستها در مقاله "سه سه متحد ارتجاع" (مجا هد ۱۳۳۳) حتی یک موضع گیری انقلابی قاطع نیز علیه لبرالها اتخاذ نکرده اند و بطور ساشکارانه از کنریت مسئله لبرالها گذشته اند. و این همان انحرافی است که اتفاقا رویزیونیستهای اکثریت زمینه حمله فدا نقلسی خود به مجا هدین قرار داده اند.

فدا شنان اکثریت از این انحراف مجا هدین سود جسته و با حمله به لبرالهای فسد انقلابی کوشیده اند بصورت عوام میریالیست خود را ضد لبرال و ضد سرمایه دار جا بزنند. در همین مقاله فوی الذکر، در واقع رهبری مجا هدین کوشیده است تا بزرگترین مسئله مورد مناجره در باره سازمان خود را آگاهانه مسکوت بگذارد و این چیزی است که بیزمان جنبش دمکراتیک - فدا میریالیستی خلیفهای ایران است. ما در عین حال که با چریکهای اکثریت بمنانه یک نیروی فدا نقلسی، مرز بندی داشته و موضع آنان در برخورد به انحراف، مجا هدین در قبال لبرالها را ضد انقلابی ارزیابی میکنیم، ما در عین حال که سازمان مجا هدین خلق را یک نیروی فدا

امیرالیستی و در جبهه انقلاب ارزیابی می نمائیم، اما نمونوا نم سوا انحراف دوستان مجا هد چشم پوشیم. در اینجا خطاب ما دوستان مجا هد است. بمبار زینی است که اگر انحراف خود را طرد سازند، ضربات مهلک را متوجه سازمان خود و جنبش دمکراتیک - فدا میریالیستی خلق خواهند ساخت.

حزبی سمحوا هم چرا سکه خدا قل همس حقوقی که ما بسو اسایی بر سمیت شناخته موردمما هم رعایت سود، تا ما هم نمونوا نم فراغ سال در کنریت مردم بیوظائف اسلامی و انقلابی خودمان در جهت حراست ارمیهی و انقلاب و مکتب سیردا زیم، امدوار میس حنا عالی در این زمینه توصیه های لازم را

● مخالفت رویزیونیستهای فدا شکی بالبرالها به این خاطر است که بین دزد های یعنی حزب جمهوری اسلامی و لبرالها اختلاف است و اکثریتی ها طرفدار دزد ها و شیادان حزب جمهوری می باشند. مخالفت رویزیونیستهای فدا شکی بالبرالها به این خاطر است که سوسپال امیرالیسم شوروی بالبرالها که طرفدار امیرالیستهای اروپایی و آمریکائی می باشند، مانه خوبی ندارد و اکثریتی ها مدافع امیرالیسم روس می باشند. مخالفت رویزیونیستهای فدا شکی بالبرالها از یک موضع انقلابی و ضد سرمایه داری نیست، این مخالفت از یک موضع رویزیونیستی، سورژوایی و ضد انقلابی است. این مخالفت از موضع دفاع از حزب ارتجاعی جمهوری و امیرالیستهای شوروی می باشد.

تاریخ یکبار دیگر خوانیت کمونیستها را ثابت میکنید

سقا مات و مسئولین مملکت بعرا شد... (مجا هد شماره ۱۳۳۳)
آبا واقعا برای منتظری که شما بدرستی ساست عوام میریالیست، او را نسبت بخود فضا کرده اند، درست است که میکوشد مظلوم هستید؟ و اساسا مظلوم بودن یعنی چه؟ مسئله مبارزه طبقاتی است. مسئله مبارزه علیه فدا انقلاب است. با سدر را افراشته نگاه داشت، آبا واقعا توده های انقلابی سازمان شما اجرای قانون اسایی ارتجاعی و رعایت حقوق شما از طرف دولت را میخواهند؟ آبا از منتظری با بدخواست تا برای افلاسون در نزد ارتجاع توصیه نماید مگر ارتجاع بر خلاف ما حمت طبقاتی خود مستوانند عمل کنند؟ راستی دوستان مجا هد آبا این ساست یک ساست رفرمستی و لبرالیست است. آبا شما بطور قطع از همه بخشهای ارتجاع دل کندنو توده ها را بر بیانه، منشیای انقلابی سسج نموده و بر راه انقلاب هدایت نمود؟

دوستان مجا هدین خلق! سازمان شما بسبب یکسری انحرافات راست روانه در برخورد سه رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی پیوسته دچار نا بیگماری و تزلزل بوده است. سازمان شما بجای برخورد انقلابی، بدولت و به جای افشای همه بخشهای حکومت فدا خلقی و منجمه لبرالها، شدیداً دستخوش محافظه کاری و عدم قاطعیت بوده است و اس امر بسبب شده تا بتانسیل و قدرت مبارزاتی توده های سازمانی هواداران شما بطور کامل شکوفا نگردد. این نا بیگیریها بجای ایجاد یک روحیه، تعرضی علیه حکومت، یک روحیه، سازش طلبانه را رواج داده است. شما بجای آنکه آشکارا رژیم را در نزد توده ها افشا کرده و ما هست فدمردمی آن را بر ملانما شید، به کرات عدم صراحت و مظلوم نمائی را پیشه خود کرده اید. شما با راه کوشش کرده اید تا برخی از محافل فدا نقلسی رژیم جا کم پیدا دشما رسیده، تا بدین ترتیب رژیم تحت فشار قرار گرفته و شما را مورد اذیت و آزار قرار ندهند. نمونه همین مسئله نامه اخیر شما بمنظری میباشد. شما نوشته اید:

"خدا ما در این مملکت خیلی مظلوم واقع شده ایم... از اسلامیت هم که بگذریم، بهر حال در این مملکت حساب و کتاب و قانسون وضع شده است، حتی غیر مسلمنا هم حقوقشان منخص و تمسین شده است. ما هم

ما جواب میدهم، آری، یک سروی انقلابی با بدیا عشار حقا نیت تاریخی و با اعتبار انقلابی بودنش، هرگز در مقابل ارتجاع و ستمگرانی که خون توده ها را به سینه میکنند، سر خم نکنند و ازوی التماس و منظم خواهی ننماید. ما هرگز نه از دشمنان توده ها انتظار ترجم و سذل و سخن داریم و نه چنین شیوه ای را راه و رسم انقلابیون و مدافعین توده ها میشناسیم؛ اگر راستی چنین است که دشمن ما اعتبار ما هست ضد انقلابی است به توده ها رحمی نمیکند، دیگر تعارف و ممانات با آن چه مفهومی میتواند داشته باشد؟ مگر همین تجربه، دوا له بعد از قیام که طی آن دشمنان ما را به کشتار و سرکوب توده ها و انقلابیون و کمونیستها برخاسته است،

پیشن بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

نمی‌توانند برای درس آموزی از آن کامیاب شد؟
آری، با بدبا دشمن طبقاتی سازش ناپذیر بود،
از آن کوچکترین ترحمی انتظار نداشت و
کوچکترین رحمی هم نانو کرد.
دوستان مجاهد!

سیاست امروز شماریشه در گذشته دازد و
برخورد مماشات جویانه، شما به لیبرال‌های خاش
ریشه در برخورد شما به کل طبقه حاکم دارد. در
همان زمان که کمونیست‌های پیگیر دولت با زرگان
را بمثا به یک دولت ضد انقلابی در میان
توده‌ها افشا میکردند، سا زمان شما دولت
با زرگان را "ملی" جلوه میداد. در همان زمان که
کمونیست‌ها همدستی خمینی را در سرکوب خلق افشا
مینمودند، سا زمان شما در مورد خمینی هیچگاه
افشاگری نکرده و او را "ضد امپریالیست و مبارز"
و نمود میساخت. در همان زمان که کمونیست‌ها
عالمین کشتار خلق کرد و ترکمن و کمونیست‌ها و
انقلابیون، یعنی حزب جمهوری و لیبرال‌ها را
بر ملا میکردند، سا زمان شما سکوت اختیار
نموده بود. در همان زمان که کمونیست‌های
پیگیر اهداف ضد انقلابی هیا تا حاکم را از انفال
سفارت افشا کرده و هیچگونه خطت ضد امپریا -
لیستی برای آن قائل نبودند، سا زمان شما
این اقدام را "ضد امپریالیستی" تلقی کرده و

دا نشجویان پیرو خط اما مرا وسیعاً مورد تائید
و حمایت خود قرار داد. در همان زمان که کمو -
نیست‌ها توطئه ارتجاعی رژیم علیه دانشگاه
را افشا کرده و در مقام و مت دانشگاه‌ها بطور فعال
شرکت کردند، سا زمان شما زیر فشار دولت اعلام
نمود که مراکز دانشگاهی خود را می‌بندد و سپس
در مقام و مت انقلابی شرکت ننمود. در همان زمان
که کمونیست‌ها انتخابات مجلس را به صحنه دیگری
از افشاگری تبدیل کرده و ما هیت مجلس بورژ -
واشی را بر ملا میساختند و همچنان بر انقلاب
بعنوان راه‌های توده‌ها تکیه مینمودند،
سا زمان شما شدیداً دچار سیاست‌های لیبرالیستی
بوده و چنین وانمود میساخت که گویا با ورود
نیروهای انقلابی به مجلس، آینده ایران میر
دیگری خواهد یافت (مجا ۲۳، ۲۴ بهمن ۵۸)
و بالاخره زمانی که کمونیست‌ها و زجمله سا زمان
ما لیبرال‌ها را همیای دیگر مرتجعین بمنسوان
دشمنان خلق افشا مینمودند و چهره بنی‌صدر
خاش و روبا هفت را بمثا به نماینده سرما به
دوران لیبرال بر ملا میساختند، سا زمان شما با
لیبرال‌های خاشی نظیر حاج سیدجواد" در
چهارچوب شورای معرفی کاندیداهای انقلابی و
ترقیخواه" همکاری کرده، از لیبرال‌ها شی چون
لاهیجی پشتیبانی نمود و آرزو میکرد که آقای
بنی صدر بهیچوجه در دام ارتجاع و لیبرالیسم
نیفتد و الا ساس قدرت و با به حکومت خود را نیز
متزلزل خواهد نمود. (مجا ۲۲ - ۱۶ بهمن ۵۸)
و متقابلاً سا زمان ما را که متنی قاطع و پیگیر را

تبلیغ میکرد، دچار "جبر روی" میدانست.
در تمام موارد فوق تاریخ ثابت نمود که
حقانیت با کمونیست‌ها و سا زمان ما بوده و آنسان
بدرستی و با فاطمی تمام ارتجاع را رسوا
کرده و توده‌ها را با انقلاب فرا خواندند. کمو -
نیست‌های پیگیر بدون محافظه‌کاری و تزلزل
هیچگاه اجازه ندادند که جنایات بورژوازی
پنهان بماند. سیاست کمونیست‌ها معلوم نمائی
در پیشگاه "بالائی‌ها" نبوده و نیست. کمونیست‌ها
بمبارزه طبقاتی توده‌ها اتکا دارند و بس.

طلبانه حزب جمهوری اسلامی مخالفتند، آنها
اگرچه با برخی سیاست‌های حزب در برخورد به
معملات جا مه مخالفتند، اما این اختلافات در
چهارچوب ضد انقلاب حاکم قابل توضیح میباشد
لیبرال‌ها هیچ اختلافی در مورد بازاری سیستم
سرما به داری وابستد با حزبها ندارند، اختلاف
آنها با بگدیگر در این است که این بازاری
به چه شیوه‌ای عملی گردد. در سرا سردورانی که
لیبرال‌ها در سرا مور بوده‌اند، آنها هیچگاه
مخالف قرار داده‌ای امپریالیستی نبوده‌اند و

● تنها خائنین به طبقه کارگر و کسانیکه درین سازش دادن جنبش با ارتجاع میباشدند،
دولت حاضر را "ضد امپریالیست" میخوانند. دولت حاکم یک دولت ارتجاعی و ضد مردمی
است و هر کس که بگوید کارگران از این دولت باید پشتیبانی کنند، به آزادی و استقلال
و به انقلاب خیانت کرده است. حمایت از این دولت یعنی حمایت از متحدان امپریالیسم
و حمایت از جلادان خلق‌های سراسر ایران. حمایت از این دولت یعنی نفی مبارزه
طبقاتی، یعنی نفی مبارزه ضد امپریالیستی.

● مبارزه علیه لیبرال‌ها از مبارزه علیه حزب جمهوری و کل رژیم جمهوری اسلامی جدا
نمی باشد و به همین دلیل مبارزه ضد لیبرالی "روزیونیست‌های فدائی" یک دروغ
شایدانه است.

بهای لغو این بیمانه ترفته‌اند. لیبرال‌ها
هیچ اختلافی در مورد سرکوب انقلاب توده‌ها با
حزبها ندارند. اختلاف آنان در چگونگی برخورد
به جنبش بسیار فرعی و نا چیز است. آیا واقعا
دولت مرتجع با زرگان نبوده که به کردستان حمله
کرد و توده‌ها را بحون کشید؟ آیا واقعا بنی‌صدر
حمله کرد و توده‌ها بطور مستقیم در سرکوب ترکمن
صرا و کردستان شرکت نمود؟ آیا واقعا
لیبرال‌ها نبودند که در مورد ضرب و شتم انقلابیون
و کمونیست‌ها و تیرباران کمونیست‌ها و
بشهادت رساندن مجاهدین با مستقیماً دست
داشتند و با مسئله را بسکوت گذراندند؟
بنا بر این میبینیم که لیبرال‌ها در حقیقت
سیستم حاکم و در سرکوب انقلاب هم‌بیمان سایر
بخشهای هیات حاکمه‌اند، آنان دشمن توده‌ها
بوده و اگر امروز از "آزادیخواهی" صحبت میکنند
برای فریب مردم و برای سوار شدن بر جنبش
است. آنان از "آزادیخواهی" صحبت میکنند،
در حالیکه چهار رنعل بنوی امپریالیست‌های
غربی به پیش میروند. لیبرال‌های مکار میکوشند
با "بحث آزاد" و "بحث تلویزیونی" جنبش را
با تحراف بکشاند و نیروهای متزلزل را خاشی
و جذب بورژوازی نمایند. اما آنان در همان
زمان که شیرینی در دست دارند، و حقیقت به
انقلاب و نیروهای پیگیر حمله ور میشوند، لیبرال -
الها از "زیاده روی" حزبها مینالند و از اینکه
حزبها میخواستند همه قدرت را بکف گیرند،

سیاست کمونیست‌ها تکیه بر یک جناح از بورژوازی
واری نبوده و نیست، کمونیست‌ها فقط به انقلاب
و قدرت لایزال توده‌ها ایمان دارند و بس.
امروز که لیبرال‌های خاش میگویند
جنبش خلق را با تحراف کشا تند، یکبار دیگر
کمونیست‌های پیگیر بمبارزه فعالانه برخاسته -
اند تا این ضد انقلابیون را رسوا نمایند. افشای
این خائنین ضرورتی است که بدون کمونیست‌ها
و همه انقلابیون ضد امپریالیست قرار داردا ما
متقابلاً دوستان مجاهد! سا زمان شما با ز
هم شدیداً دستخوش تزلزل و تحراف میباشد. در
دوره اخیر سا زمان شما اگرچه نه بطور رسمی،
اما بهرحال مجاز شده که هواداران تان در برخی
تظاهرات بشفخ لیبرال‌ها شرکت نمایند. سا زمان
شما به دستگیری قطب زاده مرتجع اعتراض کرد
سا زمان شما خائنه‌های لیبرال‌ها را افشا کرده و
جنایات تان را بسکوت گذارده است. این امر
آشکارا بزبان جنبش دمکراتیک وضعد
امپریالیستی خلق‌های ماست. امروز با بسد
بیش از هر زمان دیگر به توده‌ها گفت که
لیبرال‌ها کیستند و چه اهداف خاشانه‌های
را تعقیب میکنند.

لیبرال‌های خاش کیستند؟
هما نظور که میدا نیم لیبرال‌ها بخشی از سرما به
داران میباشدند که سیاست چماق و نون شیرینی
دارند. آنها اگرچه با برخی سیاست‌های انحصار

دعوی لیبرال‌ها و حزب جمهوری اسلامی، جنگ قدرت میان دشمنان توده‌هاست

خشمناک هستند. اما آنان از انقلاب نوده‌ها وحشت دارند. آنان می‌گویند تا جنبش را بسه انحرا بکامل بکشانند و تا آنجا که در توان دارند و بسند بدترین شکل، آنرا سرکوب نمایند. حال در شرایط حاضر و در زمان سکد لیبرالها می‌گویند اعتراضات و نا رضایتی نوده‌ها به نفع خود استفاده برند، چه باید کرد؟ آیا انقلابیون باید نوده‌ها بگویند که لیبرالها از حزبها بهترند؟! آیا انقلابیون باید از برخی سیاستهای لیبرالی لیبرالها ذوق زده شده و منافع انقلاب را فراموش کنند؟ آیا انقلابیون باید به مخالفت‌های لیبرالی لیبرالها دلخوش گردند، و عیلاجشما زبانه زده‌ها و قسدرت لایزال آنها بیوشند؟ مجاهدین خلق باید این سئوالات پاسخ گویند.

تاریخ در برابر ماست آیا در فوریه ۱۹۱۷، این بورژوازی لیبرال نبود که با غضب قدرت همان سیاست امپریالیستی رژیم تزاری را ادامه داد؟ یعنی مناسبات و اتحادها با سر امپریالیست‌ها را حفظ کرد، جنگ امپریالیستی را ادامه داد و مردم را کماکان در فقر و فلاکت و گرسنگی نگاه داشت؟ در روسیه، لیبرالها مخالف "خودسربها و حکومت مطلقه" بودند، اما خودشان بینه، چه طبقه‌ای بودند و بچه راهی قدم گذاشتند؟ خاستن آنان و جنبش کارگری و انقلابی روسه به تنها با دمورد توجه کمو نیستند در برخورد به لیبرالها، بلکه باید مورد توجه دمکرانهای انقلابی نیز قرار گیرد. در زمان رژیم شاه، بورژوازی لیبرالها چه کردند؟ مگر نه اینکه آنان مخالف قیام انقلابی بودند؟ در زمان قسام آنان چه کردند؟ مگر نه اینکه پنهانی با نمایندگان امپریالیسم آمریکا و ارتش شاهنشاهی به ساخت و ساخت مشغول بودند و بالاخره قیام را در نیمه راه متوقف ساختند؟ مگر نه اینکه سرخسرت ترین و وقیح ترین مدافعان سیستم کهنه ارتش شاهنشاهی، ساواکیها و... بودند؟ مگر نه اینکه تا امروز در کنار ما یرو بخشهای هابحاکمه مانند حزب جمهوری و اشخاصی مانند بیت‌الله خمینی به جنایات خود ادامه داده‌اند؟ بختباربها نزیه‌ها، مراغه‌ای‌ها، مدنی‌ها، امیرانتظامها و... چه کسانی بودند؟ چه کردند؟ و امروز در آغوش چه کسانی جای گرفته‌اند؟ آیا ایسین مسائل اسفانی بودا نانی از ما هیت لیبرالهای خاشن؟

واقعا چرا مجاهدین استنهم درس رسمی - آموزش و استنهم حنا ناب را با جسمی زمینی ببیند؟ آیا خلق ما یا زهم با بدسهای حیانتها یسیرا لیا را ببردازد؟ آیا خلق ما نباید برای همسها با سیاستهای سازش قطع رابطه کند؟ و اگر جواب مثبت است (که هست)، پس وظیفه، نیروهای جدا میبرالیست و ارجله سازمان مجاهدین خلق

چیست؟ مجاهدین خلق باید با بدسها این سئوالات پاسخ گویند.

دوراه در برابر مجاهدین

امروز لیبرالهای خاشن که در موضع ضعف قرار گرفته‌اند به مجاهدین چشمک میزنند تا آنان را به حمایت از خود بکشانند و متاسفانه رهبری مجاهدین با سیاست معاشرات جویانه خود اجازه میدهد تا لیبرالها روی مجاهدین حساب کنند.

یکسبم برای آنکه واقعا واقعا نه در راه انقلاب پیش رویم، میبایست مبارزه را علیه همسده بخشهای هیات حاکمه وهمه امپریالیستها ادامه دهم. اما متاسفانه سیاست انحراقی شما در قبال لیبرالهای مرتجع عملا زگسشش جنبش دمکراتیک - فدا میبرالیستی جلوگیری نموده است. دوستا مجاهد! اگر اس گرایش ناپیکر همچنان ادامه

اگر قبول داریم که شیوه تولیدی حاکم در ایران سرمایه داری بوده و این سرمایه داری اساسا محصول نفوذ امپریالیسم جهانی است و بنابراین وابسته می باشد و اگر قبول داریم که در ایران دوشیوه تولیدی سرمایه داری موجود نیست و همه سرمایه داران در همین شیوه تولیدی حاکم به استثمارگران پرداخته و ارزش اضافی استخراج می کنند و به بازتولیدی پردازند، بدین ترتیب روشن است که در این صورت صحبت از سرمایه داران ملی جز بیان حماقت و چاگری بورژوازی چیز دیگری نخواهد بود.

مجاهدین باید بدانند که چشمک لیبرالها و لبخندهای مزورانه مان حکایت از سیاست عدم انداختن میکنند. رفیق استالین میگوید: "اگر دشمن با ما به شیرینی سخن میگوید و وعده، "حقوق" نامعینی را میدهد، بیانگر این است که او در حال دام گذاری علیه ما است و میخواهد ما با دستهای خود قلععه، محکمی برای او بسازیم. از بورژوازی لیبرالها چیزی بهتر از این انتظار نداریم." (ی. استالین بورژوازی دام میگذرد - اکتبر ۱۹۵۰)

حال آنها سازمان مجاهدین همچنان اجازه خواهد داد تا بورژوازی لیبرال با دستهای مجاهدین، قلععه، محکمی برای مجاهدین و سایر انقلابیون بسازد و در نوطه‌های ضد انقلابی علیه جنبش خلق از سکوت مجاهدین برخوردار باشد؟

دوستان مجاهد!

سما بر خلاف خواست ارتجاع و ریزبونیستها بخصوص در دوره اخیر، تا حدی به تعمیق مبارزه خود پرداخته‌اید... افشای محدود و بسیار دیر ما برای اشغال سفارت و افراد منفوری مانند بهشتی، افشای سرکوب انقلابیون و شکنجه در زندان، دستگیری مجاهدین و اتهامات دروغین ارتجاع، افشای ساسور و انتشار مجدد شریعه مجاهد، موضعگیری علیه حزب نوده و اکثریتها و افشای توطئه آنان علیه مجاهدین و... آری تمام این موارد جلوه‌های روشن تعمیق حرکت مبارزه جویانه مجاهدین است این امرها هنوز که نمیشوند نفرت و کینه، ارتجاع و ریزبونیستها را برنیا نکیزد، در همان حال سمتواندمورد مسرت و استقبال انقلابیون کمونیست و نوده‌های آگاه خلق قزاز نگیسرد. این موضعگیریها و اقدامات، همه بنفع انقلاب و بضر دشمنان انقلاب است. اما هرگز فراموش

پیدا کنند و شما نتوانید سیاستی انقلابی را در قبال لیبرالها بکار گیرید، بیشترین سود را از این امر لیبرالها خواهند برد و در ضمن حزبها و ریزبونیستهای حروشیفی نیز امکان خواهند یافت تا به جنبش خلق و مجاهدین خلق ضربت بزنند.

همانطور که قبلا گفتیم، ما ریزبونیستی روشنی با درک ریزبونیستهای فدائی در مورد لیبرالها داریم. آنان افشای لیبرالها را از آن جهت مطرح میسازند که حزب جمهوری را از این نموده و دولت ایران را بسوی سوسیال امپریالیسم جهت بخشد. حال آنکه ما افشا و مبارزه علیه لیبرالها را از افشا و مبارزه علیه بخشهای هیات حاکمه جدا کرده و افشای لیبرالهای خاشن را از زویه افشای خطر برای جنبش نوده‌ها و تعمیق انقلاب نوده‌ها مطرح میسازیم. ممکن است از ما سئوال شود یا لاخره کدام یک از دو جناح ضد انقلاب بهتر است؟ جواب ما کمونیستها روشن است. هر دو جناح ضد انقلاب بدترند. جناح حزب بدتر از لیبرالهاست و جناح لیبرالها بدتر از حزب است. ما برای هیچ بخشی از ارتجاع امتیاز قائل نمیشویم. ما به نوده‌ها میگوئیم همه جناحهای حاکم دشمن انقلاب می باشند. ما به نوده‌ها درس آشتی نایدیری میسدهیم و آنها را برای انقلاب آماده نمیکنیم. ما به نوده‌ها میگوئیم هیچ یک از جناحهای ضد انقلاب نباید بدل بست. ما به نوده‌ها میگوئیم نسبت به هیچیک از جناح‌های لیبرالها، حزبها و سیران رژیم جمهوری اسلامی نباید گذشت داشت. ما به نوده‌ها میگوئیم تنها راه رهایی، سرنگونی رژیم حاکم و تحقق امر انقلاب است. این تنها راه درستی است که همه انقلابیون باید ترا طی نمایند.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

دوستان مجاهد خلق!

با توجه به جنبش سیاسی است که از نقطه نظر سازمان ما دوره دربراسما قرار دارد : با معاشات بالسرالها و در نتیجه عدم مبارزه انقلابی با رژیم حاکم و با برابن نفی انقلابه و با مبارزه انقلابی علیه لیبرالها و بیونسید دادن این مبارزه بمبارزه علیه کلرژیم حاکم و همه جناحهای مرتجع آن و در نتیجه تا کید بر راه انقلاب . مطمئن باشدنما زمانیکه موضع خود را درقبال لیبرالها تصحیح نکرده و همچنان بساست سارنگا رانه نسبت به لیبرالها ادا مدهید ، مبارزه شما از با انقلابی سرحدودار نخواهد بود . یک مبارزه انقلابی مبارزه ایستکه علیه کل هیات حاکمه باشد ، مبارزه ای است که در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد ، مبارزه ای که در راه حقیقی انقلاب نوده باشد ، آنا در حال حاضر ما جنبش سیاسی را در پیش گرفته اید ؟ شما هنوز که هنوز است نوعی " مشروعیت" برای این رژیم ارتجاعی قائل هستید . شما هنوز که هنوز است یک موضع روشن علیه خمینی اتخاذ کرده و در سطح جامعه نبرده اید و شما متاسفانه در مقابل لیبرالها شديسدا ناسبگیر مینباشد . بس دوستان مجاهد ! قبول کنید که سیاست شما درقبال رژیم حاکم ، بسک سیاست انقلابی نیست ، سیاستی است که نه در جهت سرنگونی رژیم ، بلکه در جهت انتقاد به رژیم و وارد کردن اطلاعات در سیستم حاکم است . شما هنوز بی ضرورت سرنگونی رژیم حاکم نرسیده اید و تا زمانیکه با بس نقطه از تعمیق مبارزه نرسیده اید ، سیاستی انقلابی را تعقیب نمیکنید شما از جنايتکاران حاکم میخواهید تا کمتر جنايت کنند ، شما در پی آن سیاستیدا توده ها این جنايتکاران را طی یک مبارزه انقلابی سرنگون و نا بود نما بیند ، حال آنکه جنبش خدا میریالیستی خلقی ما چنین مینماید .

با بد سیاست محافظه کارانه ای که بر ما سه محاسبه اختلافات درون ارتجاع استوار است و بدور انداختن و بجای آن سیاست انقلاب را نشانده یک سیاست انقلابی مبنای خود را بر پایه تضاد درون ساند های ارتجاع قرار نخواهد داد ، یک سیاست انقلابی مبنای خود را بر اساس تضاد آشنی نادرمان تمام نوده های تحت ستم و بورژوازی استوار خواهد ساخت . سیاستی که تا بحال شما درقبال کلرژیم و بخصوص لیبرالها بنگا ر گرفته اید بطور صریح و روشن از یک مضمون انقلابی بدور نوده و جزیک سیاست رفرمستی و لیبرالی چیز دیگری نوده است .

بسام ما بسما دوستان مجاهد است که لیبرالهای خائن را اما کسد و حظ حاصل رونی منان خود نمیناشد ، یک سارمان خدا میریالیست و لیبرالها سمانه متحدان امیرالیسم جها ننی نکسد . اس مبارزه را سمانه ، بس نفک

نا پذیر از مبارزه علیه کل هیات حاکمه ایران در نظر بگیرید و مبارزه ای را علیه کل رژیم جمهوری اسلامی ببیش ببرد و سروا ضح است که جنبش مبارزه انقلابی و فاطمی از مبارزه علیه کل امیرالیستها و مرحله شوروی جدا نمیتواند باشد .

ارتجاع و رویزونیستها نفس کندنده ساست سما درقبال کمونسیتها ساد ، آرتجا که کمونسیتها بیکرترین دشمنان بورژوازی و رویزونیستها مینباشد ، اسان بیونسید انا ناکمونسیتها را منفرد ساخته و سرکوب نما بیند ، اما در طول تاریخ کمونسیتها سانلاشی سبگیر

● امروز شوروی کمونی ، دیگرسوروی سوسیالیستی به رهبری لنین و استالین نیست که نزدیکی برادرانه با آن ، نشانه از ترفیخواهی باشد . هر نیرو و کشوری که در کنار شوروی تحت رهبری لنین و استالین فرارند است ، لاجرم در کنار امیرالیستها و مرتجعین جهانی جای داشت . اما امروز اوضاع تغییر یافته است . شوروی سوسیالیستی و پشتیبان انقلاب خلقه با به شوروی امیرالیستی و پشتیبان ارتجاع تبدیل شده است . امروز واقمیت اینستکه مبارزه علیه امیرالیستهای آمریکا فی ، اروپائی و ژاپنی از مبارزه علیه سوسیال امیرالیسم شوروی بهیچوجه جدا نمی تواند باشد . کسانی که در مقابل شوروی کمونی تزلزل بخرچ دهند ، آئنده خطرناکی در برابر آنان قرار دارد و ایمن هشداری است از جمله برای سازمان مجاهدین خلق .

پیام ماه مجاهدین

بسام ما بسما دوستان مجاهد اینست که مرربندی خود را نسبت به رویزونیستهای خائن چریکهای فدائی (اکسرت) و حزب توده از یکطرف و سه جها نینیا از سوی دیگر تدقیق و روشن نموده و موضع خود را مستحکمتر علیه این خائنین بخلق اعلام دارید . امروز سارمان چریکهای فدائی خلق (اکسرت) مذسوجانه میکوشد تا سارمان شما را بسف بورژوازی کشانده و آنرا از جنبش خلقی جدا سازد . شایسته است که اسان را اینجا بسه نوکران بورژوازی از خود نظر نما شد ، ز سارا مآرزلا علیه ارتجاع و امیرالیسم هرگز و هرگز از مبارزه علیه رویزونیستها جدا نخواهد بود . مبارزه علیه رویزونیستها فقط مربوط بسه کمونسیتها نیست . اسن مبارزه متعلق بتمام نیروهای مترقی و انقلابی است . چرا که رویزونیستها نه فقط با سارمان سوسیالیستی سولتاریا بلکه به دمکراسی نوده ای ، آزادی و استقلال حاسن کرده و میکنند .

پیام ما بسما دوستان مجاهد ! بسک که مناسبات خود را با نیروهای کمونسیت را بسس منحول ساخته و فعال ساشد و نتگذا رید نلسعات

سوسه سوطده های بورژوازی راحتش نموده ، سوبد خود را با سوده های کار و زحمت اسوار ساحت و مسجداً دیگرسروهای انقلابی در راد انقلاب بد پیش رهنه اند . سماع خبش ضسدا امیرالیستی و دمکرا شک خلق ما مینماید تا صفوف نیروهای کمونسیت و انقلابی مبین ما هر چه بیشتر سحکمتر کردد . سماع خلقهای کبیر ما مینماید تا در برابر ارتجاع تنی و احدا بسس مطمئن بسس که نحکیم صفوف خدا امیرالیستی رویزونیستها و ارتجاع را بوست انداخته و کامهای نوده های خلقی را پرتنن ترحوا هید ساحت . عدم بسخکونی با سن ضرورت فقط بسف امیرالیسم ، بورژوازی و رویزونیستها سب .

آری ، مبارزه طبقاتی بسش میرود و جنبش او جگر نده ، توده ها سکر سکر دشمن را عقب می راند . در افق صدای کامهای انقلاب میناشد و طس کامهای سبورژوازی را سرعه انداخته است . سوراوری به تمرکز فواد سب زده ، اسما ساروان است . سگهای نکهان سوراوری بسی رویزونیستها ، علیه انقلاب سارن میکنند . اما حراسند . آبا سوراوری ، هوای سرکوب و سگهای نکهان سب مینتوانند از سچار آسیده جسین نوده ها جلوسگری کسد ؟ آنا آنها سوانند ارفرور بسس محوم نظام کهن و سرقراری نظمی بسن سمانع بعمل آوزند ؟ نه هر کس را بسن آ مورکار و زحمتگان جهان سکوید :

"نیروی واقعی حرکت از بس مبارزه انقلابی طبقات است"

مبارزه با امیرالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

مسحکم باد صعبت سروهای کوسب و افلاسی !
مرکز ترا میرما لسم و ارجاع دا خلسی !
سرفرا ربا دجمهوری دمکرا میک خلقی !

بدنیال آن سوسالشم میناسد، نکوسم نسا
این مبارزه افلاسی به هدف مقدس خودمانل کردد!
برافراشته سرفرا درجهما بخت سوده ها!

۴ و امروز ما رده انقلابی خلقهای ایران
سروی محرکه است که درسی سرنگویی سوزواری
ارجاعی واستفرا دجمهوری دمکرا نیک خلق و



علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها